

عنوان مقاله: کیمیاگری به مثابه هنر خودشناسی و فعلیت یافتگی و کیمیاگر به مثابه هنرمند (این نوشتار کوتاه برگرفته از بخشی از چهارمین کتاب من با عنوان ژرفکاوای منطق الطیر عطار است)

نویسنده: دکتر وید احمدی (دانا کامران)

استحاله با هدف شناخت و فعلیت دادن و تحقق بخشیدن به خود و به منظور کشف جوهر همیشه باشنده وجود و نامیراشدن، بنیاد هنرمندانه کیمیاگری است. طلای نابی که از استحاله فلزی پست چون مس پدیدار شده است و کیمیاگر آن را می‌ستاید و نیز سنگ فلاسفه که کیمیاگر همانند دوستی همیشه همراه، بی‌هراس از دیوانه خطاب شدن با آن هم سخن می‌شود، حقیقتاً هویتی یگانه دارند. چیزی پست که در رهگذار تجربه‌ای استعلایی به امر متعال می‌پیوندد و خود، همانند آن می‌شود. این سنگ نزد فلاسفه کیمیاگر ادوار باستانی و سنتهای هرمسی همان مظهر خویشتن جاوید بوده است که به صورت خضر، گورو و یا پیر دانا که هر کدام مظاهری از همین خویشتن تعالی یافته‌هستند، نشان داده می‌شود.

هرمس یکی از بزرگترین کیمیاگران تاریخ است و میراث کیمیاگری او در ابداع The Emerald Tablet یا لوح زمردین است که مهمترین آموزه آن اشاره به جریان خداگونه شدن یک پدیده فانی است "Process of deifying a mortal".

سیر زیبا و تامل برانگیز و رازآمیز دستیابی به این دگرگونی و جاودانگی، بن‌مایه آفرینش **بسیاری از آثار ادبی و هنری** است. در مجموع می‌توان اصلی‌ترین آموزه‌های هنر کیمیاگری را این‌گونه بیان کرد:

الف) تهذیب و تزکیه (Purification)

ب) استحاله و دگرگونی (Transformation)

ج) فناپذیری و جاودانگی

در "رساله سپیده دم" اثر "توماس آکویناس"، کیمیاگری هنر الهی¹ نامیده شده است که در جریان آن، جسم خصوصیات روحانی می‌یابد و رستاخیز محقق می‌شود¹.

اما اینکه چرا کیمیاگری را هم علم و هم هنر نامیده‌اند نکته‌ای قابل‌تامل است. در لغت‌نامه هنر را صنعت و ساختن معنا کرده‌اند و در حقیقت کیمیاگر هنرمند، سازنده وجود خویش است، زیرا با ممارست و شناخت و تلاش، توانایی‌های پنهان خود را کشف می‌کند و به آن‌ها فعلیت می‌دهد و زاینده هویتی می‌شود که پیش از این پنهان بوده است.

می‌توانم بگویم که کیمیاگر هنرمند در اصل والدین خود نیز هست این اوست که خود را از خود می‌زاید خودی که بسیار زیباتر و داناتر و قدرتمندتر از آن وجودی است که از

¹ Aurora Consurgens – A document attributed to Thomas Aquinas on the problem of opposites in alchemy – Edited with a commentary by Marie _ Louise Von Franz – a companion work to C.G.Jung -Mysterium Coniunctions – translated by R.F.C.Hull and A.S.B.Glover – First published 1966- London E.C.4

والدین جسمانی او زاده شده است. این همان ولادت جدید است و شناسنامه تازه ای است که ثمره چنین تولدی است. شناسنامه ای که یکی از تجلیات آن آفرینش آثار ادبی و هنری شاخص و برجسته است. به همین خاطر است که به باور بزرگان فرهنگ ایرانی، علم و هنر در واقع دو رویه یک سکه اند و این ابیات از **مثنوی** گویای همین نکته مهم است:

**"خاتم ملک سلیمان است علم
جمله عالم صورت و جان است علم
آدمی را زین هنر بیچاره گشت
خلق دریاها و خلق کوه و دشت"** 2

این سیر استعلایی در ملاحظات روانکاوانه، نهایتاً به شکل گیری تمامیت فردی شخصیت و شناخت او نسبت به تمامی امکانات بالقوه اش می‌انجامد و او را بسیار قدرتمند می‌کند. بررسی بعد کیمیایان و به واقع روانکاوانه‌بسیاری از آثار ادبی و هنری است که به گونه‌ای خودشناسی هنرمندان می‌انجامد، البته نه برای هر کسی بلکه تنها برای پژوهنده آگاه و شجاع و کیمیگران به این معنا هنرمندان حقیقی اند.

از سویی دیگر جدال میان نوس و فیزیس یا همان نور و ظلمت در قاموس کیمیگران که از آن به **فرایند رستگاری (آزاد سازی) از رهگذر کیمی‌گری (Redemption Alchemical)** تعبیر می‌شود،

گذار از مرزها و موانع مادی و فیزیکی و رسیدن به وحدت با منشا قدرتمند هستی است که در نتیجه، رهایی این نور یا همان نوس را از چنگال اهریمن تاریک فیزیس به ارمغان می‌آورد. این تقابل میان نور و ظلمت، در زمره یکی از مهمترین آموزه‌ها و نکات مطرح شده در بسیاری از آثار ادبی و هنری از جمله **منطق الطیر عطار** است. وجوه فرآیند این آزاد سازی و یا به عبارت بهتر، نیل به رستگاری درین اداستان از این قرار است:

الف) سیر و سفر از ظلمت به سوی نور
ب) گسستن بندها و دام‌ها از بال و پای پرنندگان که البته این شکل از عینیت بیشتری برخوردار است.
ج) عبور از موانع و حل مساله و معمای وجودی پرنندگان با یاری هدهد و یا من آگاه برتر ایشان.

اینکه **عطار** در مقدمه منطق الطیر در نیایش خویش به درگاه خداوند متعال چنین می‌سراید:

**" یارب آگاهی ز یاربهای من
می‌شناسی ماتم شبهای من
ماتم از حد بشد نوری فرست**

2 مولوی - مثنوی - به سعی واهتمام رینولد نیکلسون - موسسه انتشارات امیرکبیر - چاپ یازدهم - تهران 1371- دفتر اول

در میان ظلمتم نوری فرست...
لذت نور مسلمانییم ده
نیستی نفس ظلمانییم ده...
سائلم زآن حضرت چون آفتاب
بوک از آن تابم رسد یک رشته تاب"

(منطق الطیر- ص 14)

ویا در قالبی نمادین و بسیار قابل توجه در آغاز کتاب و طرح **داستان سیمرغ**، نور باوری **عطار** به اوج خود می‌رسد، نیز راهنمای ما به همین رویکرد است، زیرا سیمرغ پرنده خورشید است و سرشتی نورآمیز دارد.

با طرح این مختصر، اکنون باید بگویم نام مرحله ای را که بر بنیاد چنین نگرشی آن را در کتابم (ژرفکاوی منطق الطیر عطار) **مرحله فعلیت یافتگی** نامیده ام در کیمیاگری (**Rubedo**) است و در این مرحله، کار کیمیاگری به نتیجه ای می‌رسد که توماس آکویناس در باره آن می‌گوید: "**مفهوم کیمیاگرانه Opus به شکل بذر افشانی و شکوفا شدن جوانه یک دانه، مطلب مهمی است که از یکی از قدیمی ترین منابع مشتق شده است که یکی از آنها آراء هرمتی است... و این همان عمل خود شناسی³ می‌باشد.**"⁴ به سخن دیگر اینکه فعلیت، زمان آشکارگی استعداد و توانی است که به واسطه جهل و یا هر مانع دیگری مجال ظهور و بروز نیافته است، اما پس از حل مسائل و رفع موانع هویدا می‌شود.

³ "Aurora Consurgens – A document attributed to Thomas Aquinas on the problem of opposites in alchemy – Edited with a commentary by Marie _ Louise Von Franz – a companion work to C.G.Jung -Mysterium Coniunctions – translated by R.F.C.Hull and A.S.B.Glover – First published 1966- London E.C.4 –pp 400-401